

شعله جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره پنجم پنجشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۴۷ هـ - ۲ می ۶۸

اساس ارزش چیست؟

اگر از دهقانی پرسیم چراغله می کاری و یا اگر از جولای پرسیم چرا کرباس می بافی در جواب می گویند ، برای اینکه انسانها برای رفع بعضی از نیازهای خود به این چیزها احتیاج دارند و من نیز با استفاده مستقیم و مبادله آن قسمتی از نیاز مندیهای خود را رفع میسازم. ازین جواب دیده میشود که در نظر اول در هر محصول کار این امر قابل اهمیت است که باید محصول مذکور قسمتی از نیاز مندیهای بشری را رفع نماید. این خاصیت محصول کار را که باعث رفع یکی از نیازهای بشری میگردد بنام ارزش استعمال آن محصول یاد میکنند.

مثلا ارزش استعمال گندم درینست که احتیاج غذایی بشر را رفع میکند، ارزش استعمال کرباس درینست که در رفع نیاز مندی پوشاک بشر مفید واقع میگردد.

اکنون اگر به جوابی که دهقان و جولای برای ما داده خویش توجه کنیم دیده میشود که غله و کرباس دارای خاصیت مهم دیگری نیز هستند، یعنی چنانکه خود دهقان و جولای گفته اند میتوانند بامبادله آن کالای دیگر بدست آرند یعنی غله و کرباس با کالای دیگری مبادله می گردند.

اگر به تمام معا ملاتی که بین دارندگان کالا های مختلف صورت می گیرد توجه کنیم «مثلا در مبادله گندم با کرباس» دیده میشود که یک نوع ارزش استعمال به نوع دیگر آن مبادله میگردد. این قدرت یا توانایی یک کالا را که در یک تناسب معین کسی «مثلا یک سیر گندم با دو متر کرباس» با کالای دیگر مبادله میشود ارزش مبادله کالای اولی «مثلا گندم» می نامند.

بنابراین ارزش مبادله «یا ارزش» نخست از همه تناسبی است که در آن مقدار معین یک نوع ارزش استعمال بیک مقدار معین نوع دیگر ارزش استعمال مبادله میگردد و چنانکه یک سیر گندم با دو متر کرباس، در نگاه اول این تناسب کمی که بوسیله آن کالاها مبادله میشوند اتفاقی و تصادفی بنظر میرسد، اما در واقع هم آنها در یک زمان قابل ملاحظه ای تحت نوسانات واقع میگردند و لی در واقع این تغییرات در حوالی یک سطح و سطی معین نوسان میکنند.

اکنون ببینیم که چه چیزی تناسب کمی مبادله کالاها را تعیین میکند. هر کسی میداند که برای مقایسه دو چیز باید آنها دارای خصلت مشترک باشند و نیز باید این خصلت

قابل اندازه گیری باشد طور مثال این سنگ در وزن مساوی به دو خریطه سمیت است.

در این مقایسه سنگ و خریطه های سمیت خصلت مشترکی دارند و آن خصلت مشترک وزن آنها است.

این خصلت قابل اندازه گیری بوده و بعد از توزین این حکم را صادر می کنیم که سنگ بقدر دو خریطه سمیت وزن دارد.

اما وقتی میگویم که یک سیر گندم با دو متر کرباس قابل مبادله است چنین معنی میدهد که این دو کالا نیز خصلت مشترکی دارند. اکنون جستجو می کنیم که کدام خاصیت مشترک این دو کالای مختلف را قابل مقایسه ساخته است.

این خاصیت نه وزن، نه حجم و نه محکم است زیرا گندم و کرباس دارای وزن، حجم و دیگر خواص مختلف اند آیا این خاصیت مفیدیت این دو کالا است؟ نه، زیرا استعمال آنها کاملاً متفاوت می باشد. اما اگر خوب دقت کنیم دیده میشود که کالا های با ارزش شمای استعمال کاملاً مختلف تنها دارای یک خاصیت مشترک می باشند این خاصیت عبارت ازینست که همه از محصولات اجتماعاً لازم کار نمایندگی می کنند. این خاصیت که هر دو «گندم و کرباس» بوسیله کار بشری تولید گردیده اند حقیقتاً خاصیت مشترک آنها را تشکیل میدهد بر علاوه این خاصیت قابلیت اندازه شدن را دارد، زیرا کار بوسیله مقدار زمانی که در تهیه کالای مشخص مصرف میشود، اندازه میگردد.

بنا برین مقدار کاری که در تولید کالاها بمصرف میرسد، تناسب های را که در آنها اشیا بیک دیگر مبادله میگردند، تعیین میکند.

کاری که در تولید کالاها بمصرف میرسد، ماخذ روابط مبادله را تشکیل میدهد و این امر با حقایق روشن، تطابق دارد. مثلاً اکثر کالاها بیکه در گذشته قیمت گران داشتند یعنی بامقدار زیاد کار تولید میشدند، بعد از تکامل و رشد تکنولوژی از قیمت افتادند، زیرا تکامل تکنولوژی مقدار کاری را که برای تولید آنها لازم بود کمتر ساخته است.

مطالعه اقتصاد مارا به این نتیجه میرساند که تازما نیکه مبادله بحیث یک پدیده بی اهمیت تلقی میکردید. محصولات در تناسبات مبادله اما زمانیکه مبادله وسعت پیدا نمود وضعیت تغییر خورد این تناسبات مبادله ای اکثر آتوری بر قرار میگردند که در آن، مبادله در صفحه ۴

تو در پیکار آزادی بجز زنجیر خود چیزی نخواهی داد
و خواهی برد.
جهانی را که مزد شست و نج بیکران تست.

تبجلیل روز بین المللی کار

ناتراش تا ماشین های کوه پیکر و خود کار امروز.

از آنجا که کار محصول نیروی عضلانی دماغی، جسمی و عصبی کارگران است و از آنجا که کار نه تنها (در جوار منابع طبیعی) مایه ثروت است، بلکه در تغییر و تحول ارتقای انسان هم رول خاص و برجسته دارد، لذا لازم است به نیروی ایجادگر رنجبران - نیمه رنجبران و دهقانانی توجه کنیم که جهان کار را رنگین ساخته و ساحت طبیعت را تزئین می نمایند.

کارگران و دهقانان ملک ما در اثر عرق ریزی و کار خستگی ناپذیر خویش وادی ها، جلگه ها، باغ ها، ابنیه شاهراه ها، پلها، بند ها و غیره و غیره را سرسبز و آباد ساخته و خود شان با کمال رنج و مشقت روز و شب را سپری می سازند. این دو طبقه که بدون مبالغه همه چیز را در اثر کار خلاق خویش ایجاد میکنند دور از همه چیز زندگی نموده و فاقد همه چیزند. طوریکه دیده میشود کارگران معادن ذغال سنگ در دره صوف، آتش پشته و کرکر با شرایط غیر صحتی و قرون وسطانی مشغول کار بوده و تا حال چندین بار در راه تا مین وسایل راحت دیگران بصورت کتلوی جانهای گرامی را از دست داده اند. کارگران کانهای لاجورد و یاقوت و لعل و دیگر سنگهای قیمتی همه به حال گرسنگی بسر برده و نیروی کار شان مسود دستبرد دیگران قرار گرفته و بطور قاجاق به خارج فرستاده میشود.

کارگران پروژه های شاهراه های بزرگ برای تسریع حمل و نقل مواد مطلوب (خام - نیم بند) امپریالیست ها مدافعین استعمار نوین چه زحماتی را متقبل شده و بدون اینکه ملقفت خطرات محتمله باشند جانهای گرامی خود را فدای منفعت دیگران کردند.

این کارگران فعال از بیکاری و بی تکلیفی خویش در غذا بند. کارگران فابریکه های گلنهار، پل خمی، فابریکه شکر بغلان، فابریکه صنعتی قندز، فابریکه خانه سازی، کارخانه های منطقه صنعتی کابل، میدان هوایی کابل و قندز، پولی تخنیک و غیره و غیره در زیر کار طاقت فرسا و شرایط نامساعد رنج زیاد را متحمل شده و خساره های بیش از حد را متقبل شده اند. مزد این کارگران خیلی قلیل است که نمیتواند بجز از بخور و نمیر دیگر حوایج ضروری زندگی شان را مرفوع سازند. اگر در فابریکه پلخمی وضع کارگران را از نزدیک مورد مطالعه قرار دهیم علاوه از تحقیر و اهانت بیشمار کارفرمایان شرایط ناگوار کار هم موجب خستگی - پیری و مرگ زودرس کارگران میگردد. (در ص ۴)

از آنجا که کار انسانی در جوار شرایط و وسایل کار در جریان نعمات مادی رول خیلی بارز داشته و از آنجا که کار، فعالیت اجتماعی انسانهاست از سالیان دراز بدین سو در محافل روشنفکری و حلقه های کارگری روز اول ماه می رابه نام روز بین المللی کار برگزار میسازند.

در سیر تاریخ رو می های عصر باستان در اول ماه می جشن بهاره را تبجلیل می نمودند. در انگلستان رابرت اوون در سال ۱۸۳۲ اول ماه می را سر آغاز هزار ساله تعیین کرد در سالهای ۱۸۸۲ - ۱۸۸۳ و ۱۸۸۴ این روز در ایالات متحده امریکا و کانادا با شور و زاید الوصفی از جانب گروه پیشروها بدرقه گردید. در سال ۱۸۸۹ اولین کانگرس بین المللی دوم ورعبر کبیر آن، منعقد در پاریس این روز رابه نام روز بین المللی کار شناخت. از آن زمان تا حال در حلقه های کارگری و روشنفکری اکثر از ممالک سرمایه داری هم این روز برگزار میگرد.

در افغانستان این روز برای اولین بار درست در فرصتی استقبال شد که حلقه های روشنفکر پیشرو خواستند ضمن مظاهره، عمال و خدام دستگاه جاسوسی «سیا» سی آی - ای را در کشور ما افشا نموده و درباره قحطی و بیکاری روز افزون شعار بدهند. گرچه در آن زمان خوش خدمتان و کاسه لیسان ارتجاع در راه این مامول موانعی ایجاد کردند اما روشنفکرانیکه سر نوشت شان با رنجبران، نیمه رنجبران و دهقانان کشور ارتباط مستقیم و ناگسنتی دارد نقاب را از چهره این خادمان ارتجاع بر انداختند.

از آنجا که کار فعالیت لازمی انسانها بوده و درین جریان مواد طبیعی را برای رفع احتیاجات خویش بشکل مطلوب درمی آورند و از آنجا که کار یک ضرورت اجتماعی بوده و یک شرط غیر قابل انکار حیات انسانهاست، بدون کار حیات انسانی به ذات خود ناممکن خواهد بود.

بدنیست دانسته شویم که در تحت نام شرایط کار چیز های داخل میگردد که کار انسان بالای آن صورت میگیرد. مثلاً چوب جنگل و یا معدن در عمق زمین.

وسایل کار تمام اشیایی هستند که ذریعه آنها انسانها بالای شرایط کار عمل میکنند. در جمله وسایل کار بشکل پیشرفته از همه اولتر ابزار تولید نام برده میشود. در جمله ابزار تولید تمام اشیائی که انسان در وقت کار از آن استفاده می کند قید میگردد یعنی از اولین سنگ

مبارزه سیاهان در آخرین تحلیل

مبارزه طبقاتی است

چندی پیش، «مارتین لوتر کینگ» رهبر مقاومت منفی سیا هپوستان امریکایی، از طرف فاشیست های نژاد پرست امریکایی بقتل رسید. بدنال این رویداد، موجی خشم و نفرت عمیق و دیرینه سیاهان امریکایی بشکل مبارزات آتشین و قهر مانانه علیه ظلم و بیداد کری امپریالیزم امریکا، سر تاسر ایالات متحده را فرا گرفت. درپیش از پنجاه شهر، سیاهان امریکایی، دست بمبارزات آتشین زده و در برخی از شهر ها بلاک های کامل عمارات را طعمه حریق ساختند. دولت ایالات متحده برای سرکوبی ایشان ناچار بفرستادن عساکر گارد ملی شده، پنجاه هزار عسکر مسلح مأمور فرونشاندن این مبارزات عادلانه شد.

«مارتین لوتر کینک» رعب و مقاومت منفی سیاهپوستان، طرفدار شیوه مبارزه مسالمت آمیز و عدم توسل بزور، یعنی مبارزه منفی در برابر ظلم و خود سری امپریالیستی بر سیاهپوستان بود، وی سعی مینمود تا سیاهپوستان را از توسل بمبارزات عادلانه و موثر علیه ظلم و بیدادگری امپریالیزم امریکا، مانع گردد، ولی حقایق نشان داد، این خود امپریالیست های امریکایی اند که مبارزات آتشین و عادلانه سیاهان را در دستور و قرار می دهند و نخست دست به خونریزی می زنند.

«مارتین لوتر کینک» مبلغ سیاست «عدم تشدد» قربانی تشدد و زور گویی امپریالیستی شد.

چرا سیا هان برضد امپریالیست های امریکایی دست بمبارزه زده اند؟ مباحث مبارزات سیا هان علیه امپریالیزم امریکا چگونه است؟ آیا این مبارزات محض جنبه «نژادی» دارد و یا اینکه دارای خصلت طبقاتی است؟ در اوایل قرن هفدهم، زمانی که ایالات متحده امر وری مستعمره انگلستان بود، در سال ۱۶۱۹ برای نخستین بار، یازرگانان ها لیندی بیست نفر سیاهپوست افریقایی را بعنوان غلام به مستعمره مذکور فروختند. از آن تاریخ بپعد تاختم نیمه اول قرن نژدهم تجارت غلامان سیا هپوست افریقایی در امریکایی از پردر آمدترین رشته های تجارتی دنیای جدید بشمار می آمد. بازرگانان انگلیسی، هالندی و آسپانیایی کشتی های خود را از مشروبات الکلی ارزان قیمت پر کرده بسواحل افریقا میرفتند و بار خویش را با سیاهان که طوایف فاتح افریقایی اسیر نموده و برای فروش بساحل آورده بودند معاوضه می کردند در مستعمرات برتانیای در امریکای شمالی ۲۳۰۰۰۰ غلام سیاه پوست وجود داشت چند سال بعد از این تاریخ در سال ۱۷۹۳ ماشین حلاجی و پاک کردن پنبه در امریکا اختراع شد. این رویداد سبب ترویج بیسابقه کشت و زرع پنبه در ایالات متحده و صدور آن به کشورهای صنعتی اروپا مخصوصا انگلستان گردید. برای کشت پنبه،

استفاده از غلامان سیاه پوست بسیار مناسب بود ، زیرا در تمام طول سال میشد آن هارا بکار توان فرسای بدون مزد واداشت ، این بود که تعداد غلامان سیاه پوست بسرعت رو به افزایش نهاد و از ۶۹۸۰۰۰ در سال ۱۷۹۰ به چهار میلیون نفر در سال ۱۸۶۰ رسید . به تناسب افزایش احتیاج بغلامان سیاه پوست قیمت آن هانیز در امریکا فزونی مییافت ، در اوایل قرن هفدهم قیمت يك غلام سیاه پوست در امریکا ۳۰۰ دالربود سپس به ۸۰۰ دلار رسید. و در حدود سال ۱۸۶۰ به ۲۰۰۰ دلار بالارفت تعداد بیشتر سیاهان افریقایی در ایالات جنوبی امریکا ، سکونت داشتند ، علت این بود که ایالات جنوبی امریکا ، مخصوصا ویرجینیا و کارو

د. دکار مکر - س

د: دکار مگر - س

بزرگوتر خطابه

بزرگراه تاته وایم ستا خواری تر خو

ته کوی کار مدام په تودو دشتوباندي
ته کوی خمکي او بر په نیموشپوباندي
ته وږي پیټی دغم بل په وږوباندي
آخر به خان ور کوی په دی آرزوباندي

داییمکاری تر خو

بزگره تاته وایم ستا خواری ترخو:

داینگاری تر شو

یوی خوانشته دوی بل خوا کوچنیان ژاپی
ستا دحان دپاره زپه دانسان ژاپی
ستا دغم او خواری خمکی آسمان ژاپی
دغریبان دپاره واپه خوانان ژاپی

بزمگره تاته وایم سستا خواری ترخو:

دایمگاری تر خو

ستا د مټو له زور وڅکي شراب ځاننان
په شکلو تورو تېرودي جوړوي تعميران
وړي ښکلو انجونوځان سره سيلد پغمان
دوچ دروي پسي ته ځان ورکوي په ارمان

زنگره قاتل وایم سستا خواری نرخو:

دایبیکاری تر خو

راځي چه مو ډاوتاسي عهد و پيمان جوړي كړو
په اتحاد او گډوډن نوي جهان جوړي كړو
دغه نړي قيا مت په د بشمنان جوړي كړو
ستره ښه غښتلي افغانستان جوړي كړو

زنگره تاته وایم سستا خواری ترخو:

دا بیگاری تر خو

لینای جنوبی مناطق زراعتی بوده و مخصوصاً کشت پنبه و تنباکورواج بیشتر داشت. غلامان سیاهپوست برای ملاکین جنوبی نه فقط سرمایه گرانمای بلکه از عوامل لازمه تولید ثروت بشمار می رفتند. در برخی از ایالات جنوبی در قرن نوزدهم، حتی تعداد میاهان بیشتر از سفیدها بود. در قرن هژدهم، در ایالات جنوبی دو هزار خانوار ملاک درجه اول، هر یک بیش از یکصد غلام سیاهپوست داشتند، ملاکین درجه دوم که مجموعاً ۲۰۰ هزار خانوار میشدند، هر یک از ۲۰

دكتور هادي محمودي

در حال حاضر سیاهپوستان امریکا تقریباً ۲۰ میلیون نفر اند. آنها به پست ترین و پر مشقت ترین کارها مصروف و در معرض اسارت و ستم و تبعیض قرار دارند. مزد آن عایک دوم و حتی یک سوم مزد سایرین بوده و بزرگترین فیصدی بیسکاران را سیاهپوستان تشکیل میدهند. در بسیاری ایالات، مخصوصاً در ایالات جنوبی سیاهان نمیتوانند با سایرین در یک مکتب درس بخوانند، در یک رستوران غذا صرف کنند، در یک سرویس سوار شوند. امریالیست های ایالات متحده جمعیت های فاشیستی نژاد پرست تشکیل داده اند که لیجام گسیخته سیاهپوستان را تعقیب نموده، شکنجه داده و بقتل می رسانند.

در اثر این چنین ستم ها و اهانت ها است که سیا هیوستان مجبور بمقاومت و مبارزه گردیده اند . طی سال های اخیر مبارزات توده ای سیا هیوستان بخاطر آزادی پیشرفت های بزرگی نموده است . در سال ۱۹۵۱ سیا هیوستان شهر و لیتل روک ، در ایالت «ارکانساس» علیه ممانعت از ورود کود کانشان بمکاتب بمبارزه برخاستند ، مقامات حکومتی برای سرکوبی آنها به نیروی نظامی متوسل گردیده و حوادث خو نین و فحیح راروی کار آوردند . در سال ۱۹۶۰ در بیش از ۱۲۵ ایالت سیا هیوستان برضد ممانعت از ورود سیا هان در رستوران ها و مغازه ها تظاهرات بزرگی بر پا کردند . در سال ۱۹۶۱ سیا هیوستان برضد ممانعت از مسافرت سیا هان در قطارهای سفید هادست بمبارزه زدند . در سال ۱۹۶۲ سیا هیوستان در ایالت «مسی سیپی» بخاطر ورود محصلین شان در مدارس عالی بمبارزه پرداختند که از طرف حکومت محلی با خونریزی سرکوب شد . در سال ۱۹۶۳ در شهر «برمینگهام» در ایالت «الاباما» سیا هان علیه تبعیضات نژادی دست بمظاهرات و متینک های وسیع زدند که به توقیف های دامنه دار و وحشیانه ای از جانب حکومت ایالتی منجر گردید . در همین سال رهبر سیا هیوستان بنام «مدگار اوس» در ایالت «مسی سیپی» بیرحمانه بقتل رسید . این عمل سبب جوشش کین و نفرت سیا هان گردیده و باجرات رقا طعیت بیشتری بمبارزه برخاستند در ۲۸ اگست همین سال راه پیمائی ۲۵۰ هزار نفری بسوی واشنگتن تشکیل گردید .

طی سه، چهار سال اخیر مبارزات سیاهپوستان بازم بیشتر قاطع و موثر شده و به نحو روز افزون با مبارزات زحمتکشان امریکا و مبارزات خلق های محکوم آسیا، افریقا و امریکای لاتین پیوند یافته است. در سال ۱۹۶۷ مبارزات سیاهپوستان تقریباً سرتاسر ایالات متحده را بشمول شهر واشنگتن فراگرفته است. (درصص ۱۳)

مبارزه سیاهان در آخرین

آنجا باشد در برابر زور و جبر غیر عادلانه، زور و جبر عادلانه بکار برده و مشت را بامشت پاسخ دادند. به تناسب اوج گیری مبارزات عادلانه سیاهان، سیمای پلید امپریالیست های امریکائی که بانقلاب به اصطلاح و آزادی، برابری و برادری پوشیده شده بود، چون در خمان در صفت فاشیست بر همگان آشکار میشود. خلق های زحمتکش جهان بیش از پیش به این حقیقت پی می برند که: «سیستم لعنتی استثمار و امپریالیزم که با اسارت و خرید و فروش سیاه پوستان رشد کرد مسلماً با آزادی نهائی سیاهپوستان به پایان خواهد رسید».

حقایق نشان میدهد که مبارزه سیاهپوستان علیه ظلم و بیدادگری شکل نژادی نداشته، بلکه از همان آغاز ورود سیاهپوستان به امریکا دارای ماهیت طبقاتی و علیه استثمار و بردگی بوده است. زحمتکشان امریکائی بطور روز افزون این واقعیت را درک نموده و از مبارزات سیاهان علیه امپریالیزم و تبعیض پشتیبانی مینمایند. اخیراً محصلین امریکائی بظرفداری از مبارزات سیاهان دست به اعتصاب زدند و همچنان کارگران امریکائی بظرفداری از برادران همزنجیر سیاه خویش مظاهرات و اعتصابات بزرگی بر پا داشتند. مبارزه سیاهپوستان در امریکا علیه امپریالیزم و تبعیض، بیان فشرده ستم و استثمار طبقاتی در قالب ملی میباشد. از آنجا که سیاهان محرومترین بخش کارگران امریکائی را تشکیل میدهند، مبارزات آنها در مقدمترین صف مبارزات طبقه کارگر امریکا قرار داشته و مورد پشتیبانی روز افزون طبقه کارگر و توده های وسیع مردم امریکا واقع میشود. مقامات حاکمه امپریالیستی امریکا از یکسو به سرکوب خویش و وحشیانه مبارزات عادلانه سیاهان بخاطر آزادی و رهائی از ستم ملی دست می زنند و از سوی دیگر برای فریب دادن اذهان مردم به اصطلاح لایحه های حقوق مدنی سیاهان را در کنگره ملی به تصویب میرسانند تا بدین ترتیب در اراده پیکارجوی و راسخ سیاهان رزمنده سستی ایجاد کنند. ولی جوانان رزمجوی سیاه پوست امریکائی بطور روز افزون کذب اینگونه نیرنگ های عوامفریبانه امپریالیست های امریکائی را در یافته و بیش از پیش به این اصل معتقد میگرددند که آزادی ایشان فقط از راه مبارزه بی امان و پی گیر برضد امپریالیست های حاکمه تحقق مییابد و بسی.

در حال حاضر مبارزات دموکراتیک و نجات بخش خلق های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین که در رأس آن مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام قرار دارد، از خارج، و مبارزات زحمتکشان

گر داب مرگبار

۴۴

در طول مراحل مختلفه زندگی بشر، هزاران انسان متفکر برای بهبود زندگی بشر هر نوع وسایل را ایجاد کرده اند. تا توده بتواند از آن بطور دسته جمعی استفاده کند. اما یک عده انسان های مرتجع و مفت خوار به زور تازیانه و استبداد، جهت بهره کشی و استفاده نامشروع طبقاتی خود آنها بکار انداختند. پیشروان و غیر عادلانه حق مسلم مردم را به جیب می زنند و استثمار شان میکنند مرتجعین برای رنجبران زندگی را از تلاطم امواج خشمگین و هلاکت بار دریا رنج آور تر و پر اضطراب تر ساخته اند.

ما می توانیم این دردها را تسکین دهیم بشرطی که در تجسس علت

بیاد بود نخستین روز ماه می

پرواز شاهین

تو ای فرزند رنج، ای کارگر، ای اختر روشن گناخت چیست در پهنای این وادی دردانگیز مگر موج وجودت را نباشد قدرت توفان؟ به پا برخیز و با هریم افسردگی بستیز

تلاش گو هر هستی مکن در ساحل آرام،

که این ننگ است ننگ پنجه زور از مای تو
تو موجی، موج رابیمی نباشد ازل گرداب
چسان در بند افسون کهن بستند پای تو؟

چرا در کوره بیداد این مشتکی ستمگستر

روان خویشتن سوزی و شمع غیر افروزی
طلسم شوم این دون همتان ددمنش بشکن
که این بدگوهران رانیست سیری از زراندوزی

خروشان موج رزم انگیز شو بر خصم آتش زن

بصد رزمندگی پیکار خو نین را مهیا شو
مبا دافسردگی روح ترا از خنجر بیداد
طلوع مهر عالم تاب (زحمت) را پذیرا شو

تو شاهینی، قفس بشکن، به پرواز و مستی کن

که بر آزادگان داغ اسارت سخت ننگین است
مگر ای کارگر، ای پور رنج آخر نمیدانی
تلاش زندگی در کار زار مرگ شیرین است

آن بر آئیم با همه رنجبران،
متحد شویم، و اعتماد بنفس پیدا قدرت!

اعلام میداریم که اگر امروز شما
شرایط عینی اجتماع اندیشه های
نوین و مرقی را در جهت رهائی توده
ها از قید اسارت استبداد بنمایان
آورد و صد ها هزاران انسان پاک
شراقتند، صدیق وطن پرست بسا
قربان کردن خویش این تئوری را

چگونه باید سنجید که یک جوان پیشرو است؟ با کدام معیار باید آنرا اندازه گرفت؟ تنها یک معیار میتواند وجود داشته باشد و آن اینست که آیا این جوان مایل است با توده های وسیع کارگران و دهقانان در آمیزد و آیا بدان عمل میکند یا نه؟ چنانچه او مایل به درآمیختن با توده های وسیع کارگران و دهقانان باشد و واقعاً نیز بدان عمل کند، آنگاه فردی پیشرو است والا فردی عادی و یا مرتجع است اگر او امروز با توده های کارگران و دهقانان درآمیزد او را امروز میتوان فردی پیشرو نامید، ولی چنانچه او فردا از آنان ببرد و حتی بر مردم ساده گلی، در برابر این دو سیل خروشان و نیرومند مسلماً فرو خواهد ریخت!

نامه از رنجبران

ما کارگران محروم از همه چیز فابریکه جنکلك از مدت ها به این طرف يك سلسله خواست ها ی معقول و مشروع خویش را به کار فرمایان فابریکه ارائه نمودیم به جز وعده های دروغ و میان تهی چیزی نصیب ما نکردید و در میان محیل همیشه در پی فریب و ریا بود و به خواستهای ما اصلاً ارزشی قایل نیستند و ما به تجربه دریا فتم نه کسی حاضر نمیشود که به کویه و زاری و شکل مسالمت آمیز حقوق مشروع ما را بدهد روی این منظور بروز یلشنه هشت نور بعد از چندین وقت صبر و تحمل خواستهای خویش را که عبارت از کویون و افزودی معاش و وسایل حمل و نقل و مفاد ذخیره و غیره بود و با قانون کار کوی تطابق داشت به کار فرمایان فابریکه نه اراده نمودیم که اصلاً به آن اعتنایی نکردند. این خود سری و بی باکی کستخانه را کارگران تحمل نکرده دست با اعتصاب متشکل زدند که فوری از طرف پو لیس و ژاندارم سرکوب گردید. بعداً کار فرمایان فابریکه باز نغمه عوام فریبانه سابق خویش را که وعده های پوچ و میان تهی است تکرار نمودند.

ما از کارکنان جریده ملی «شعله جاوید» که یگانه مظهر آمال و آرزی کارگران است تمنا داریم تا این صدای ما را که در واقع سازندگان تاریخ و تمدن بشری هستیم انعکاس دهند تا تمام کارگران افغانستان بدانند که از راه مسالمت آمیزگریه و زاری نمی توان حقوق و خواست های مشروع خویش را بکف آورد جز از طریق مبارزه پیکر و مداوم. جاوید باد مبارزات پیکرانه سازندگان جهان نو

محل امضاء يك عده کارگران

خبر

خبر نگار ما گزارش میدهد که بروز یکشنبه اول ثور هفده تن از کارگران فابریکه سمیت غوری به اثر پافشاری در راه احقاق حقوق پامال شده خویش از کار برکنار ساخته شده اند. شعله جاوید این روش بیدادگرانه را شدیداً نکوهش میکند و به کارگران پیشرو و با احساس یاد دهانی مینماید که از راه وحدت و همبستگی نگذارند که زندگانی هم زمان آنها دستخوش هوسهای پلید و نابکار زورمندان و زورگویان شود.

چگونه باید سنجید که یک جوان پیشرو است؟ با کدام معیار باید آنرا اندازه گرفت؟ تنها یک معیار میتواند وجود داشته باشد و آن اینست که آیا این جوان مایل است با توده های وسیع کارگران و دهقانان در آمیزد و آیا بدان عمل میکند یا نه؟ چنانچه او مایل به درآمیختن با توده های وسیع کارگران و دهقانان باشد و واقعاً نیز بدان عمل کند، آنگاه فردی پیشرو است والا فردی عادی و یا مرتجع است اگر او امروز با توده های کارگران و دهقانان درآمیزد او را امروز میتوان فردی پیشرو نامید، ولی چنانچه او فردا از آنان ببرد و حتی بر مردم ساده گلی، در برابر این دو سیل خروشان و نیرومند مسلماً فرو خواهد ریخت!

تجلیل روز بین المللی ...

زموزاوسنی اقتصاد چه دولتی

سکتور په نامه یادېږي

در قطار کارگران اطفال خورد سال زنان رنجور و مردان. کهن سال هم وجود دارند که همه بانیر وی کار خویش به ثروت سر مایه داران تزئید می بخشند. اینها بدو گروپ در دو نوبت ۱۲ ساعته محکوم به کارند و سردو گروپ از شعاع آفتاب جهانتاب محروم اند. بنام بیمه صحتی وجود دارد که بیشتر از آن مامورین عالیرتبه استفاده میکنند، بیمه اجتماعی که اصلا وجود ندارد. امراض مختلف در بین کارگران شایع است.

مزدیکه به کارگران پرداخته میشود در حقیقت قسمتی از نیروی کار مصرف شده شانرا جیبیره می کند و قسمت دیگر آن به نفع صاحبان فابریکه به یغما برده میشود.

اتحاد وجود داشته باشد، چه هواداران ملاکین و سر مایه داران سعی دارند کارگران را از هم جدا کنند و نسفاق و خصومت ملی را تشدید سازند، تا کارگران را ناتوان ساخته و قدرت سر مایه را تحکیم نمایند.

از آنجا که سر مایه نیروی بین المللی است، برای غلبه بران اتحاد بین المللی کارگران و برادر ی بین المللی آنها لازم است.

رنجبران نباید فرا موش نمایند که سرمایه داری جهان را به مشت ناچیزی امپریالیست های ملل ستمگر و عظمت طلب و کامل الحقوق و ممتاز و اکثریت عظیمی ملل ستمکش و وابسته و نیمه وابسته و دارای حقوق غیر مساوی تقسیم کرده است.

کارگران ماباید بدین امر ملتفت گردند که با فروش نیروی کار خویش نمی توانند قیمت حقیقی متاع خویش را بدست آرند. یعنی در بدل کاریکه انجام میدهند مزد واقعی و حقیقی را به کف نمی آورند. روشن است که در شیوه تولید سرمایه داری نیروی کار هم ارزشی دارد که مانند سایر کالاها به فروش میرسد. ارزش نیروی کار که به پول تعویض میگردد قیمت آنرا مجسم ساخته و بشکل مزد جلوه میکند. اکثر ثروت بدست آمده صاحبان فابریکه های عریض و طویل از سبب نه پرداختن مزد اصلی کارگران بوده و هر قدر ابزار تولید (ماشین آلات) تکامل میکنند به همان اندازه نیروی کار کارگران (مزد) مورد تاخت و تاز سر مایه دار قرار میگردد. نباید فرا موش کرد که اساس طرز تولید سرمایه داری بر دزدی نیروهای کار کارگران استوار است. میدانیم که وسایل کار هر قدر متکامل و مغلق شوند بدون نیروی کار چیزی را بمیان آورده نمی توانند. برای اینکه جریان تولید نعمات مادی سر براه گردد باید نیروی کار با وسایل کار یکجا شود.

باید به خاطر داشته باشیم که در حال حاضر صدها هزار کارگر، دهقان و نیمه رنجبران در بدر، گرسنه و برهنه در ملاء عام ته و بالا میدوند. آزادی برای کارگران و دهقانان حکم توتیا را دارد.

برای بدست آوردن آزادی و حفظ آزادی حقیقی کارگران - نیمه رنجبران و دهقانان بدین نکات توجه نمایند:

ای کارگرانی که درین فرصت در زندان کار توان فرسا و زندگی نیمه گرسنه و فقر شدید محکومید علاج آینده بیم ناک اولاد خود را نمائید. مبارزه پی گیر و مداوم کنید، چه در راه مبارزه بجز از زنجیر های اسارت چیز دیگری را از دست نخواهید داد و در بدل آن جهانی را که خود ساخته اید بدست خواهید آورد.

باید ملتفت شد که این تبدیل کار بنده وار به کار برای خود، که بزرگترین تعویض کار برای بشر است بدون تصادم و اعمال جبر نسبت به مفتخوران سخت ریشه و آستان بوسانشان صورت گرفته نمی تواند. کارگران و دهقانان تهدیدست و نیمه رنجبران که در اثر کار مشقت بار سالیان دراز برای استثمارگران و تحمل تحقیرها و هتاکهای بیشمار از طرف آنان و احتیاج شدید آبدیده شدید اید میدانید که برای در هم شکستن مقاومت استثمارگران تدبیر لازم است.

کارگران. توانا این موضوع را فراموش نکنید که سرمایه نیروی دانش نیاز مندی بیش از حد دارید، چه با کمک دانش خوا هید توانست سر مایه دارانی که نفع شان با غارتگری حکمرانی - و با حکمرانی غارتگری است دیگر گون سازید.

باید به خاطر بسپارید که هدف توده های کارگر و دهقانان و نیمه رنجبران از دگر گونی عمیق سیاسی تامین آزادی، نان، مسکن و زمین است. افتخار جاویدان بر کسانی که اکنون ملیونها زحمتکش را بدنبال خود می برند و بانهایت اشتیاق در نخستین صفوف درفش کار گام بر میدارند.

«پایان»

ازینجا معلوم میگردد که سرمایه دار در عصر کنونی با ماشین آلات مغلق بصورت خیلی ماهرانه از نیروی کار ایجاد گر کارگران بر ثروت و قدرت خود می افزاید.

بهر حال رنجبران - نیمه رنجبران و دهقانان در حال حاضر در تحت شرایط ناگوار و نا مسا عدی زندگی میکنند که جز از فاقگی، برهنگی، دربدری پیری قبل از وقت مرگ زود رس حاصل دیگر بدست نمی آرند و در مقابل به یمن همت خویش وسایل راحت و عیش و طرب ستمکاران را مهیا می سازند.

ازین فرصت نیک استفاده کرده بتقریب روز بین المللی کار کارگران مبارز را به نکات مهم حیاتی متوجه می سازم :-

مصلح کار ایجاب میکند که بین رنجبران کشور های مختلف در ممالک مختلف دوستی، اعتماد و محکمترین

له دی کبله چه زمون د جا معی په او سنی. حال لا تو کی پخپله دولتی لوی اقتصاد دی قوت دی نو کولای شو چه د دولتی اقتصاد په تحلیل سره خپل دهیواد او سنی اقتصادی حالت په ښه توگه و پیژنو. د دولت عا یداتی منابع د دوم پنځه کلن پلان په چوړیان کی داسی وو:

کال ۱۳۳۴ ۱۳۴۴

وار داتی محصولات ۷۸۷ ۱۱۳۰ میلیون افغانسی
د دولتی تشبثاتو منافع ۲۹۷ ۶۱۳ میلیون افغانسی
سرمایه گذاری او د فیسو نو او جایدا دو گتې ۲۶۴ ۴۰۸ میلیون افغانسی
د خنکی او خار ویو مالیات ۱۱۴ ۱۶۸ میلیون افغانسی
مالیات بر عایدات ۱۸۸ ۴۰۶ میلیون افغانسی
د دولت پور له مرکزی بانک څخه

اساس ارزش...

مطابق مقدار کار مصرف شده در کالاها باشد.

بنا بر این مقدار کار مصرف شده در یک کالا اساس ارزش مبادله آن کالا را میسازد.

بعبارت دیگر کاریکه در یک کالا تجسم یافته یا متراکم گردیده ارزش آن کالا را بوجود می آورد.

مبادله کالاها طبق کاریکه در تولید آنها مصرف گردیده یک قانون تولید کالا است.

تعریف ارزش مبادله «که فوقاً شد» در مورد ارزش نیروی کار، کارگران نیز صادق است.

میدانیم که انسان تنها زمانی توانایی کار کردن را دارد که بزندگی خود ادامه داده بتواند یعنی بخورد، لباس بپوشد، سقفی بالای سر داشته باشد، بعبارت دیگر احتیاجات حیاتی خود را تامین کرده بتواند.

تامین ضروریات حیاتی کارگر برای ادامه فعالیت نیروی کار، کارگر لازمست.

امادر نظام سرمایه داری کلیه اشیاییکه رفع نیازمند یهای انسان را می نمایند مانند نان، لباس و مسکن و غیره، کالا نامیده میشوند. در تولید تمام این اشیای یک مقدار معین کار ذخیره شده که در ارزش آنها تظاهر میکند.

بنا برین ارزش نیروی کار بحیث کالا مساویست به ارزش کالاهاییکه کارگر برای ادامه حیات و حفظ استعداد کار خود بان ضرورت دارد.

بعبارت دیگر، ارزش نیروی کار عبارتست از ارزش وسایل معیشتی که برای ادامه حیات صاحب نیروی کار لازمست بنا بر این اساس ارزش مبادلوی یا ارزش هر کالا بشمول نیروی کار مقدار کار مصرف شده در تولید آن چیز است.

چه (د دوم پلان په دریو ورو سنی کلو کی اخیستل شوی) ۲۶۷۰ میلیون افغانسی

پور تنی ارقام په ښه سو گه څر کندی چی تاجر دلال د دولت د داخلی عایداتی منا یغو سیمه رژیم تشدید لوی (وار داتی محصول لات) او پخپله د دولت د سبثاتو منافع د تاجر پرو کرات او ملک پرو ثرات د وسمه درجه ده. بر سیره پر دی پور تنی ارقام دا حقیقت څر کندی چس د دولت سر مایه گذاری د انفلاسیون (اقتصادی حالت چه دیپسی ارزښت ښکته راځي او داچنا سو ارزښت پور ته) او د نر خو نو د چکوالی اساسی علت دی چه دا پخپله د تاجر دلال د زبنتی کتې موجب څرخي (باقیدارد).

چند خبر

خبر نکاران ما ا ز بلخ لوکړدو پکتیا گزارش می دهند که در ولایات متذکره ایادی و عمل از تجماع باتوسل به ارعاب و تهدید از بخش وانتشار جریده شعله جا وید جلوی گیری بعمل می آرند و در کابل نیز کرو می اوباش منشانه موجبات اذیت فرو شند کان شعله جا وید رافراهم می آرند.

شعله جاوید از اینگونه روشهای ناجوانمردانه و غیر انسانی وشانتاز های میان تهی کو چکترین هراسی ندارد و با اراده تزلزل ناپذیر در راهی که آگاهانه برگزیده است گام خواهد برداشت.

روز یکشنبه هشت ثور عده یی از کارگران فابریکه جنگلک دست به اعتصاب زده بودند.

بر اساس گزارش خبر نکار ما خواست آنان افزایش معاش و کم شدن وقت کار بوده است.

پک پسر جوان هزاره که گرفتار مرض خانمانسوز جذام بوده چند روز پیش از فرط بیماری، بیکاری، بی سر پناهی و فقر غذا یی دست بخود کشی زده و پیکر بیجان او در دو ده مست خواجه مسافر در میان دریافته شده است.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
دکتر د حیم (مجمودی)
آدرس حصه اول جاده میوند
حساب در پښتني تجارتي بانک
(۷۲۷۴)

حق الاشتراك
قیمت هر شماره د و افغانی
هر پنجشنبه نشر میشود
مرکز ۱۰۰ افغانی
ولایات ۱۱۰ »
خارج ۱۰۰ دالر
دولتی مطبعه